

نقش زنان در توسعه پایدار روستایی

مطالعه موردی: روستای خراشاد شهرستان بیرجند

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۹

مهديه خراشادی زاده^۱

مرتضی اسمعیل نژاد^۲

چکیده

زنان روستایی، عامل بسیار مهمی در تحقق توسعه پایدار می‌باشند. رسیدن به توسعه‌ای برابر و پایدار در جامعه بدون در نظر داشتن زنان روستایی کشور، امری دست نیافتنی خواهد بود. حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و برنامه‌ریزی جهت گسترش مشارکت آنان، بویژه در زمینه‌های اقتصادی، شرطی لازم برای توسعه پایدار است. در این راستا هدف این مقاله، بررسی نقش و میزان مشارکت زنان در الگوهای توسعه روستای خراشاد می‌باشد. این پژوهش از نظر ماهیت از نوع توصیفی-تحلیلی است که در روش توصیفی، داده‌ها با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و عملیات میدانی با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده است. در روش تحلیلی، با توجه به فرضیه‌های پژوهش، از آزمون‌های آماری تحلیل واریانس و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش زنان روستای خراشاد می‌باشد که ۶۵ نفر از زنان با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده و پرسشنامه در بین آنها توزیع گردید. یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش حاکی از بالا بودن نقش و جایگاه زنان روستای خراشاد در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و ... است و نقش و مشارکت فعال و سازنده‌ای در گام‌های گوناگون توسعه روستای خراشاد دارند. زنان این روستا، در بیشتر فعالیت‌های روستایی (کشاورزی، دامداری، باغداری، صنایع دستی بویژه قالیبافی، توبافی (پارچه‌بافی سنتی) اشتغال داشته به‌طوری که تعاونی روستایی زنان خراشاد یکی از فعال‌ترین تعاونی‌های روستایی در سطح استان شناخته شده و باعث شده است که خراشاد به‌عنوان نخستین روستای هدف صنایع

۱. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، نویسنده مسؤول
m.khorashadi@ymail.com

۲. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه بیرجند
esmailnejad.m@birjand.ac.ir

دستی کشور از سوی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری معرفی شود. بیشتر زنان خراشاد، از نظر سطح تحصیلات در سطح متوسط به بالا قرار دارند که با توجه به سطح تحصیلاتشان، هیچ‌گونه تفاوتی در میزان مشارکت آنها در روستا دیده نمی‌شود و به دلیل فرهنگ حاکم بر این روستا، پذیرش مشارکت همه جانبه زنان روستا در فرایند توسعه روستا از طرف مردان قابل قبول است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، مشارکت روستایی، زنان روستایی، روستای خراشاد، بیرجند

مقدمه

دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی از آرمان‌هایی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول نموده است. نظر به این که توسعه اقتصادی به تغییر برنامه‌ریزی شده ساخت تولید تأکید دارد، بنابراین بدلیل سهم کشاورزی در تولید و اشتغال، راهبردهای توسعه معمولاً بر صنعتی شدن سریع شهری و به زیان کشاورزی و توسعه روستایی منجر شده است (Chalton, 1984:16). توجه به پدیده روستا در قالب هر برنامه‌ریزی منطقه‌ای از اولویت و اهمیت خاصی برخوردار است (شیعه، ۱۳۷۸: ۲). آلبرت واترسون^۱، توسعه و عمران روستایی را یک فعالیت چند بخش مرکب می‌داند که شامل توسعه کشاورزی و توسعه تسهیلات اجتماعی برای هر فرد روستایی می‌باشد (آسایش، ۱۳۸۱: ۲۱). در حقیقت یکی از ابعاد توسعه پایدار، توسعه پایدار روستایی است که توجه به این بعد، مهم و ضروری است. از جمله اهداف توسعه پایدار روستایی، اهداف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و طبیعی است که در این زمینه، اهمیت و جایگاه زنان به‌عنوان یک بخش مهم از جامعه در جریان توسعه امری مشخص و ضروری می‌باشد. نادیده انگاشتن زنان باعث کند شدن فرایند توسعه شده است اما با اتخاذ تدابیر هوشمندانه و با هدف قرار دادن راهبردهای اصلاح‌گرایانه در خصوص توجه بیشتر به نقش زنان و افزایش مشارکت در فرایند توسعه می‌توان به تعدیل شرایط موجود پرداخت (فال سلیمان، ۱۳۹۰: ۸۶). رسیدن همه‌ی جوامع در حال توسعه به رفاه و عدالت اجتماعی و توسعه پایدار و توسعه اجتماعی و

1. Albert Waterston

اقتصادی، نیازمند شناخت استعدادهاست. یکی از این استعدادهای مؤثر، زنان می‌باشند که در سازندگی جوامع نقش بسزایی دارند. نقش حیاتی زنان در بسیاری از امور مربوط به توسعه، مانند توسعه اقتصادی برای جامعه بین‌المللی روشن گردیده است. در حالی که نه خود زنان آن را باور داشته‌اند و نه دیگران آن را به حساب آورده‌اند (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۶۳). در گذشته زنان روستایی به کشاورزی و فعالیتهای مرتبط با آن می‌پرداختند، اما امروزه بر اثر پیشرفت صنعت و فناوری، حتی در روستاهای کشورهای در حال توسعه نیز مشاغل غیرکشاورزی توسعه یافته است. بنابراین نه تنها در برنامه‌ریزی‌ها توجه به عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان در مشاغل خاص روستایی لازم است، بلکه به عقیده‌ی بسیاری از صاحب‌نظران، لزوم برنامه‌ریزی صحیح برای اشتغال زنان در بخش غیرکشاورزی، بویژه به دلیل ویژگی‌های فیزیولوژیکی و روانی زنان ضروری به نظر می‌رسد (احمدی، و دیگران، ۱۳۸۶: ۲). امروزه زن روستایی و زحمات او که همه اقشار جامعه از آن بهره‌مند می‌شوند، تا حدودی مورد توجه اندیشمندان و نهادهای اجتماعی قرار گرفته است. چنانچه گفته شده «در دنیای کنونی نیل به اهداف توسعه بدون استفاده از ذخیره عظیم نیمی از پیکره جامعه؛ یعنی زنان، امری غیر ممکن خواهد بود» (سازمان خوار و بار و کشاورزی، ۱۳۷۴: ۳) و از همین رو «یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی، مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنان در ساختارهای اقتصادی است» (همانجا). زنان روستایی در کشور ما با وجود موقعیت نامناسب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نقش قابل توجهی در جامعه روستایی بازی می‌نمایند و میزان نقش و مشارکت آنها در بسیاری از فعالیتهای اقتصادی، تولیدی و خدماتی در سطح بالایی است و با این‌که حدود نیمی از جمعیت کشور و بخش قابل توجهی از جمعیت فعال اقتصادی را زنان به‌خود اختصاص داده و نسبت آنان در جامعه تحصیل کرده هم‌چنان رو به تزاید است، اما هنوز سهم شایسته‌ای در اقتصاد ملی به‌دست نیاورده‌اند. زنان روستایی وضعیتی به مراتب اسفبارتر از هم‌نوعان غیرروستایی خود دارند و به همین دلیل اندیشمندان و سیاست‌گذاران تمامی کشورهای دنیا توجه خاصی را به توسعه روستایی و رفع مشکلات و معضلات آنها معطوف نموده‌اند (میرزایی، ۱۳۸۳: ۶۴). مفهوم توسعه پایدار در کشورهای مختلف به روش‌های گوناگون

تعریف، درک و تفسیر شده است. این تفاوت‌ها، تنوع در شرایط زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را منعکس می‌کند (Tsenkova, 1999: 363). به‌طور کلی تفاسیر از توسعه پایدار چند بعدی هستند. اغلب میان اهداف اجتماعی (شامل عدالت، مشارکت، برابری، توانمندسازی، پایداری نهایی، انسجام فرهنگی و ...) اهداف اکولوژیکی (شامل حفظ تنوع زیستی، حفظ منابع طبیعی و ...) و اهداف اقتصادی (شامل رشد، کارایی و رفاه مادی و ...) تمایز قائل می‌شوند (Krueger, 2004: 53; Ratner Blake, 2007: 217). نگاهی به روند زندگی بشری طی چند قرن اخیر نشان می‌دهد که توسعه بویژه توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن نقش زنان ممکن نیست. مطالعات انجام شده در تعداد زیادی از جوامع نشان داده است که زنان عامل مهمی برای رشد و توسعه هستند. توانایی آنها در پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در خانواده به‌خوبی به اثبات رسیده است. زنان به عنوان مراقبت‌کنندگان از تغذیه‌ی خانواده، با گرسنگی و سوء تغذیه مبارزه می‌کنند (World bank, 2003: 71). در واقع، توجه به نقش زنان در فرایند توسعه از اوایل دهه‌ی ۷۰ میلادی در قرن ۲۰، ناشی از دو واقعیت مهم عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در این کشورها بود (روح افزا، و اکرامی، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

مشارکت

مشارکت، پذیرش اصلی برابری مردم است و هدف آن همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (نوروزی، و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۵۰). پیترا اوکلی^۱، مشارکت مؤثر گروه‌های روستایی در توسعه را با دسترسی مستقیم آنها به منابع لازم برای توسعه و نوعی دخالت فعال و تأثیرگذار در تصمیم‌گیری مؤثر در آن می‌داند (خانی، و احمدی، ۱۳۸۸: ۹۶). زنان می‌توانند نقش مؤثری به‌عنوان روشنفکران، سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران، برنامه‌ریزان، یاری‌رسانان و بهره‌گیران از توسعه ایفا کنند. به گفته کارشناسان،

1. Peter Oakley

زنان به لحاظ توانایی‌های خود می‌توانند بر کندی و سرعت جریان‌های توسعه جوامع اثرگذار و تعیین‌کننده باشند به نحوی که امروزه میزان و نقش مشارکت زنان از نشانه‌های اصلی موفقیت یا عدم موفقیت سیاست‌های توسعه به‌شمار می‌رود (غلامعلی‌زاده، و رضایی مقدم، ۱۳۸۸: ۲۴). در دهه‌های سیاست‌های جنبش محلی از دهه‌ی ۱۹۶۰ تا دهه‌ی ۱۹۸۰، زنان مشارکت‌کنندگان اصلی در سازمان‌های اجتماعی بودند، اما اغلب به‌عنوان رهبران شناخته نشده‌اند. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ زنان مدافعان قوی برای کنترل اجتماعی خدمات و امنیت محلی بودند. علی‌رغم این، نقش برجسته زنان در ارتقاء و توسعه برنامه جامع در سازمان‌های بر پایه اجتماع، هرگز به‌طور کامل بازشناسی و مورد تقدیر قرار نگرفته است (Molyneum, 2002: 169).

زنان، توسعه و مشارکت

رویکرد جنسیت در توسعه بر این باور پافشاری می‌کند که ترکیب زنان در فرایند توسعه، در فضایی جدا از مردان و فارغ از روابط اجتماعی این دو گروه تحقق نخواهد یافت. در قالب سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر نظریه‌های جنسیتی، در سال‌های اخیر برنامه‌ها و طرح‌هایی بسیار با هدف درک و حل آن‌چه که مسأله‌ی زنان نامیده می‌شود، طراحی شده است. در این نظریه‌ها، به موازاتی که از انگاره‌ی تک‌نقشی زنان، به انگاره‌های دونقشی و بلکه چندنقشی و از ملاحظات کاربردی به سمت ملاحظات راهبردی پیش رویم، به ترتیب از نظریه‌های سیاست‌گذاری رفاه، برابری، فقر زدایی و کارایی به تواناسازی می‌رسیم (پژوهشکده‌ی زنان، ۱۳۸۱: ۱۳). نکته اصلی نظریه‌های جنسیتی این است که موقعیت تابعی زنان در بازار کار و در خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزیی از یک سیستم کل اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان هستند (کار، ۱۳۷۳: ۲۴). نظریه‌های جنسیتی هم‌چنین تأکید دارند که گرایش "مشاغل زنانه" برای این است که انعکاسی از نقش خانگی زنان باشد (نظیر آموزگاری، پرستاری، نظافت و پذیرایی) (همان: ۲۷). بررسی و مطالعات نشان داده است که با وجود این‌که زنان در دستیابی به شاخص‌های توسعه، محروم‌تر از مردان هستند، اما نقش کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی را بر عهده

دارند (شاهرودی، چیدری و توسلی، ۱۳۸۵: ۱۴۲). دستاورد فعالیت‌های طاقت‌فرسای زنان، اهرم درآمدزایی خانواده روستایی و بهبود و بهزیستی خانواده است (وثوقی، ۱۳۶۹: ۶۳). خوداشتغالی زنان از طریق گسترش صنایع دستی در روستاها تا حد زیادی در ارتقاء نقش اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی مؤثر بوده و شرایط مناسبی را به لحاظ اقتصادی و اجتماعی برای آنها فراهم می‌کند (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۸۰). علی‌رغم این که زنان روستایی در ایران، ۶۰ درصد فعالیت‌های کشاورزی، ۶۳ درصد فعالیت‌های دامداری و عمده فعالیت‌های باغداری را برعهده دارند (بینا، ۱۳۸۲: ۲۴) اما نقشی که آنان ایفا می‌کنند، از لحاظ اقتصادی و اجتماعی نامرئی است (قلی‌زاده، ۱۳۷۴: ۳۷) بطوری که تصویر زن روستایی در کشور ما تصویری پرتلاش، قانع، صبور و پایدار است (هاشمی، ۱۳۷۴: ۳۷).

بر این اساس، با توجه به اهمیت شناخت نقش زنان روستایی به منظور فعالیت‌های توسعه‌ای هدفمند، مقاله‌ی حاضر در پی بررسی نقش زنان در فرایند توسعه پایدار روستایی (روستای خراشاد شهرستان بیرجند) می‌باشد. در این ارتباط، فرضیات زیر مطرح می‌شود:

۱. بین میزان مشارکت زنان روستای خراشاد (فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی، باغداری، صنایع دستی و ...) با توجه به میزان تحصیلاتشان تفاوت معنی داری وجود ندارد.

۲. بین میزان مشارکت و نقش زنان روستایی (فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی، باغداری، صنایع دستی و ...) در توسعه‌ی روستای خراشاد رابطه معنی داری وجود دارد.

۳. بین میزان رضایت مردان در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف (اقتصادی - اجتماعی و ...) و میزان مشارکت زنان رابطه معنی داری وجود دارد.

۴. بین میزان آگاهی زنان از حقوق و نقش‌شان در جامعه و میزان مشارکت آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

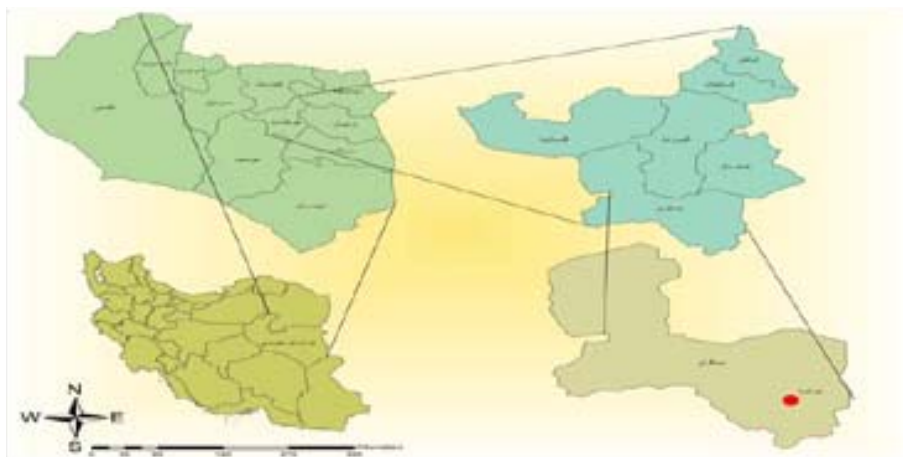
۵. بین میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی (صنایع دستی) و توسعه روستای خراشاد رابطه معناداری وجود دارد.

موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

روستای خراشاد در موقعیت ۵۹ درجه و ۲۴ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۴۵ دقیقه عرض جغرافیایی و در ارتفاع ۱۹۸۰ متری از سطح دریا واقع شده است (شکل ۱ و ۲). این روستا دره‌ای است و کوه‌های تاج‌کوه از شرق و آسیاکوه از جنوب شرقی آن را در بر گرفته‌اند. رودخانه فصلی کفکی از کنار روستا می‌گذرد و روستا در دره این رودخانه بر دامنه‌های کوه قرار دارد. باغات و اراضی کشاورزی بر روی بستر و کنار رودخانه گسترش یافته و منازل مسکونی نیز به دلیل فضای کم توسعه بر روی دامنه‌های کوهستان استقرار یافته‌اند. روستای خراشاد از روستاهای معروف شهرستان بیرجند محسوب می‌شود. این شهرت علاوه بر موقعیت جغرافیایی آن و خوش آب و هوایی، به دلیل تجار متمدن، مردم با فرهنگ و پرتلاش آن نیز می‌باشد. این روستا یکی از مرفه‌ترین و توسعه یافته‌ترین آبادی‌های بخش مرکزی و حتی شهرستان بیرجند می‌باشد. تمایل زیادی برای خرید املاک این روستا از سوی ثروتمندان شهری وجود دارد و برخی از ساختمان‌های احداثی در این روستا با گرانترین منازل شهر بیرجند برابری می‌کند (پاپلی یزدی، ۱۳۷۶: ۱۷۲). جمعیت آن در سال ۱۳۹۰، طبق سرشماری مرکز آمار ایران برابر با ۱۴۸ خانوار و معادل ۳۷۹ نفر بوده است که ۱۷۸ نفر مرد و ۲۰۱ نفر زن بودند.



شکل ۱) تصویر ماهواره‌ای روستای خراشاد



شکل ۲) موقعیت جغرافیایی روستای خراشاد در دهستان باقران، شهرستان بیرجند
(منبع: نگارندگان)

روش پژوهش

این تحقیق از لحاظ هدف از نوع کاربردی و از نظر ماهیت از نوع توصیفی - تحلیلی است که در روش توصیفی، داده‌ها و اطلاعات با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و عملیات میدانی جمع‌آوری شده است. در روش تحلیلی (تجزیه و تحلیل آماری)، با توجه به فرضیه‌های تحقیق، شاخص‌هایی در نظر گرفته شده است و داده‌های مربوط به این شاخص‌ها، به وسیله پرسشنامه گردآوری و با استفاده از آزمون‌های آماری تبیین و تحلیل شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، زنان روستای خراشاد می‌باشد که ۲۰۱ نفر هستند که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۶۵ نفر از آنها انتخاب و پرسشنامه در بین آنها توزیع گردید. در این پژوهش با توجه به فرضیه‌های مورد بررسی، پرسشنامه در دو بخش سؤالات عمومی (سن، میزان تحصیلات و ...) و سؤالات تخصصی مربوط به نقش و مشارکت زنان در توسعه روستای خراشاد طراحی گردیده است. سؤال‌های مورد استفاده، شامل ۲۴ سؤال بسته در طیف لیکرت هستند. ضریب آلفای کرانباخ پرسشنامه مورد استفاده برابر با ۰/۷۶۹ نتیجه گردید که نشانگر پایایی قابل قبول آن می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش آمار استنباطی هم‌چون آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) و آزمون همبستگی پیرسون توسط نرم افزار SPSS ۲۰ انجام شده است و هم‌چنین برای تهیه

نقشه از نرم افزار اطلاعات جغرافیایی (Arc GIS ۹,۳) استفاده شده است.

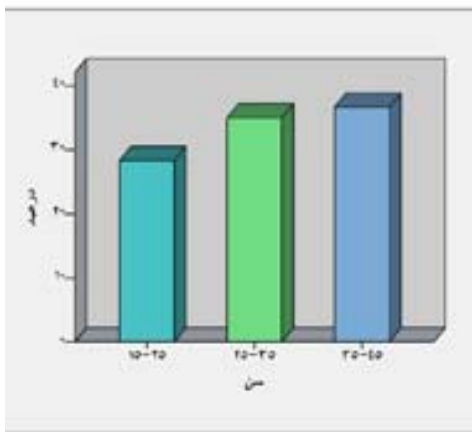
یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

معرفی ویژگی‌های جامعه نمونه

از کل افراد پاسخ دهنده ۳۶/۷ درصد بین ۳۵ تا ۴۵ سال، ۳۵ درصد بین ۲۵ تا ۳۵ سال و ۲۸/۳ درصد بین ۱۵ تا ۲۵ سال سن داشتند.

جدول (۱) وضعیت سنی جامعه نمونه

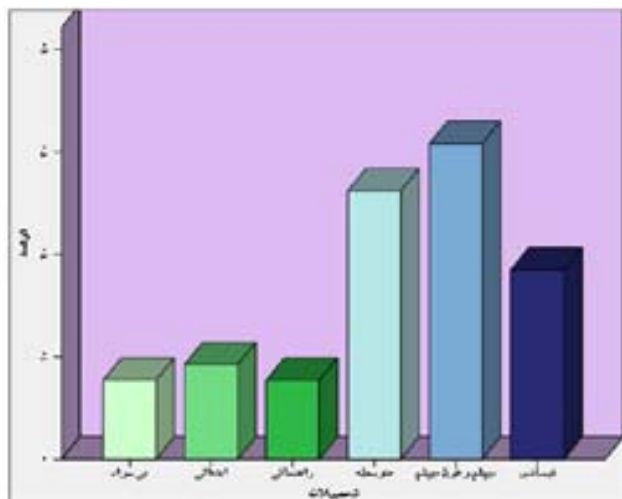


سن	فراوانی	درصد	درصد معتبر
۲۵-۱۵	۱۷	۲۶/۲	۲۸/۳
۳۵-۲۵	۲۱	۳۲/۳	۳۵
۴۵-۳۵	۲۲	۳۳/۸	۳۶/۷
کل	۶۰	۹۲/۳	۱۰۰
بی جواب	۵	۷/۷	
جمع کل	۶۵	۱۰۰	

نمودار (۱) وضعیت سنی جامعه نمونه

از کل افراد نمونه، ۱۸/۵ درصد دارای لیسانس و ۳۰/۸ درصد دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم و ۲۶/۲ درصد دارای تحصیلات متوسطه، ۷/۷ درصد مقطع راهنمایی، ۹/۲ درصد مقطع ابتدائی و ۷/۷ درصد بی‌سواد می‌باشند.

جدول ۲) وضعیت تحصیلات جامعه نمونه



نمودار ۲) وضعیت تحصیلات جامعه نمونه

ب) یافته‌های استنباطی آزمون فرضیات تحقیق

برای بررسی این فرضیه بر اساس نظرات از آزمون همبستگی به روش پیرسون استفاده شده است. در این آزمون، فرض صفر و فرض مقابل به صورت زیر است:

فرض ۱: بین میزان مشارکت و نقش زنان روستایی در توسعه‌ی روستای خراشاد رابطه وجود دارد.

$H_0: (H_0: R=0)$ بین میزان مشارکت و نقش زنان روستایی در توسعه‌ی روستای خراشاد خراشاد رابطه وجود ندارد.

$H_1: (H_1: R \neq 0)$ بین میزان مشارکت و نقش زنان روستایی در توسعه‌ی روستای خراشاد خراشاد رابطه وجود دارد.

جدول ۳) آزمون همبستگی و ارتباط بین مشارکت زنان روستایی در توسعه روستا

۶۵	تعداد مشاهدات
۰/۸۷۲	ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری

جدول ۴) متغیرهای مورد بررسی

متغیرهای بررسی شده	ضریب همبستگی	سطح معناداری
فعالیت‌های اقتصادی	۰/۴۷۰	۰/۰۰۰
فعالیت‌های دامداری	۰/۶۳۸	۰/۰۰۰
فعالیت‌های خانگی	۰/۳۶۹	۰/۰۰۰
فعالیت‌های باغداری	۰/۴۲۲	۰/۰۰۰
فعالیت‌های کشاورزی	۰/۵۷۸	۰/۰۰۰

برای این آزمون با توجه به ویژگی‌های مقیاس دو متغیر، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون نشان می‌دهد که چون مقدار سطح معناداری ۰/۰۰۰ شده است و کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر رد می‌شود، یعنی بین میزان مشارکت و نقش زنان روستایی در توسعه‌ی روستای خراشاد رابطه‌ی معناداری با اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی نیز مثبت و برابر با ۰/۸۷۲ است. نقش اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی در توسعه انکار ناپذیر است و عوامل متعددی در چگونگی ایفای این نقش مؤثر هستند (ازکیا، ۱۳۷۴: ۱۵۵). زنان به‌عنوان عامل مؤثر در امور مختلف کشاورزی، اقتصادی و اجتماعی و از نظر مشارکت نیروی انسانی مورد نیاز در جامعه سهم بسزایی دارند (زمانی میاندشتی، عطائی و ایزدی، ۱۳۹۱: ۱۶۷). امر توسعه بدون مشارکت زنان میسر نخواهد بود؛ در جامعه ما، فعالیت‌های زنان غالباً در آمارها محاسبه نمی‌شود، با توجه به این که اکثر فعالیت‌های روستا بر دوش زنان قرار دارد.

فرض ۲: بین میزان مشارکت زنان روستای خراشاد با توجه به میزان تحصیلاتشان تفاوتی وجود ندارد.

$H_0: \mu_1 = \mu_0 = \mu_k$: بین میزان مشارکت زنان روستای خراشاد با توجه به میزان تحصیلاتشان تفاوت وجود ندارد.

$H_1: \mu_1 \neq \mu_0$: بین میزان مشارکت زنان روستای خراشاد با توجه به میزان تحصیلاتشان تفاوت وجود دارد.

جدول ۵) آزمون تحلیل واریانس در ارتباط با تفاوت بین میزان تحصیلات و میزان مشارکت زنان

سطح معناداری	f آماره	میانگین مجموع توان دوم	درجه آزادی	مجموع تفاضلها	
		۰/۴۰۴	۵	۲/۰۱۹	بین گروهها
۰/۱۰۲	۱/۹۳۷	۰/۲۰۸	۵۹	۱۲/۲۲۹	میان گروهها
			۶۴	۱۴/۲۳۸	جمع کل

برای این آزمون با توجه به ویژگی‌های مقیاس دو متغیر، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (One - Way ANOVA) استفاده شده است که نتایج این آزمون نشان می‌دهد که چون مقدار سطح معناداری ۰/۱۰۲ شده است و بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر تأیید می‌شود و در واقع بین میزان تحصیلات زنان روستای خراشاد و میزان مشارکت آنها هیچ‌گونه تفاوتی وجود ندارد.

زنان دارای دانش و تخصص بسیار در مورد مسائل مرتبط با محیط اطراف خود هستند (اکبری، ۱۳۹۱: ۵۳). بیشتر زنان مورد مطالعه، از نظر سطح تحصیلات در سطح متوسط به بالا قرار دارند که با توجه به سطح تحصیلاتشان، هیچ‌گونه تفاوتی در میزان مشارکت آنها در روستا دیده نمی‌شود و همه‌ی زنان روستا با توجه به هر نوع سطح تحصیلاتی در فعالیت‌های مختلف در روستا نقش‌آفرین هستند. در صورتی که معمولاً تصور می‌شد که با افزایش سطح تحصیلات زنان روستا، از میزان مشارکت آنها در روستا کاسته شود اما در این پژوهش این چنین نیست.

فرض ۳: بین میزان رضایت مردان در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف (اقتصادی، اجتماعی و ...) و میزان مشارکت زنان رابطه وجود دارد.

$H_0: (H_0: R=0)$ بین میزان رضایت مردان در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف (اقتصادی، اجتماعی و ...) و میزان مشارکت زنان رابطه وجود ندارد.

$H_1: (H_1: R \neq 0)$ بین میزان رضایت مردان در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف (اقتصادی، اجتماعی و ...) و میزان مشارکت زنان رابطه وجود دارد.

جدول ۶) ضریب همبستگی دو متغیر میزان رضایت مردان و میزان مشارکت زنان

۶۵	تعداد مشاهدات
۰/۵۵۷	ضریب همبستگی
۰/۱۰۰۰	سطح معناداری

برای این آزمون با توجه به ویژگی‌های مقیاس دو متغیر، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون نشان می‌دهد که چون مقدار سطح معناداری ۰/۱۰۰۰ شده است و کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر رد می‌شود، یعنی بین میزان رضایت مردان در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف (اقتصادی، اجتماعی و ...) و میزان مشارکت زنان رابطه‌ی معناداری با اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی نیز مثبت و برابر با ۰/۵۵۷ است.

وجود نگرش منفی مردان نسبت به نقش شغلی زنان و تأثیر عمده ممانعت برخی از مردان از شروع به کار یا ادامه اشتغال همسران، شرایط نابرابری شغلی و درآمدی زنان و مردان در بازار کار، ابراز ناخرسندی شوهران نسبت به کارکردن زنان شاغل، احساس تعارض نقش در مورد مادران شاغل، که در نتیجه شرایط اجتماعی فرهنگی مذکور پدید آمده، بعضاً منجر به مشکلات روانی و جسمانی برای زنان شاغل می‌گردد (احمدی‌نیا، و تقوی، ۱۳۸۳ : ۳۳۹-۳۴۰). به دلیل فرهنگ حاکم بر این روستا، پذیرش مشارکت همه جانبه زنان روستا در فرایند توسعه روستا از طرف مردان قابل قبول است و علاوه بر این، رضایت مردان از مشارکت زنان در روستا، به زنان ایجاد انگیزه می‌دهد و باعث تشویق بیش از پیش آن‌ها به شرکت و مشارکتشان در فعالیت‌های مربوطه، به روستا را می‌دهد. مشارکت روزافزون زنان در بیرون از خانه باعث تقویت حس اعتماد به نفس و استقلال و افزایش قدرت تصمیم‌گیری و برخورد مناسب با حوادث زندگی و اثر مطلوب بر روابط خانوادگی بر جای می‌گذارد.

فرض ۴: بین میزان آگاهی زنان از حقوق و نقش‌شان در جامعه و میزان مشارکت آنان رابطه وجود دارد.

$H_0: (H_0: R=0)$: بین میزان آگاهی زنان از حقوق و نقش‌شان در جامعه و میزان مشارکت

آنان رابطه وجود ندارد.

$H_1: (H_1:R \neq 0)$ بین میزان آگاهی زنان از حقوق و نقش‌شان در جامعه و میزان مشارکت

آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۷) ضریب همبستگی دو متغیر میزان آگاهی زنان از حقوق و نقش خود و میزان

مشارکت‌شان در روستا

۶۵	تعداد مشاهدات
۰/۳۵۸	ضریب همبستگی
۰/۰۰۳	سطح معناداری

برای این آزمون با توجه به ویژگی‌های مقیاس دو متغیر، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون نشان می‌دهد که چون مقدار سطح معناداری ۰/۰۰۳ شده است و کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر رد می‌شود، یعنی بین میزان آگاهی زنان از حقوق و نقش‌شان در جامعه و میزان مشارکت آنان رابطه‌ی معناداری با اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد.

هرچه آگاهی زنان نسبت به وضعیت خود و هم‌جنسان‌شان بیشتر شود، نگرش‌شان در قبال حضور در عرصه‌های اقتصادی مثبت‌تر و مشارکت آن‌ها در امور اقتصادی بیشتر می‌شود و به تدریج موانع را از پیش روی خود برخواهند داشت (لهسایی زاده، جهانگیری و خواجه نوری، ۱۳۸۴: ۱۳۴). افزایش میزان آگاهی زنان از حقوق مدنی خویش به افزایش سهم مشارکت آنها در تصمیم‌گیرهای اقتصادی - اجتماعی و فردی - خانوادگی منجر می‌شود (ارجلو، ۱۳۸۴: ۱۱۶). مشارکت زمانی تأثیر واقعی خود را خواهد داشت که زنان به سطح بالایی از آگاهی رسیده باشند و از طریق کسب درآمد و دستیابی به استقلال مالی و اقتصادی، بتوانند در رفاه خانواده تأثیر بسزایی داشته باشند (غفاری، نیک بین صداقتی و اسماعیل زاده، ۱۳۹۱: ۴۰).

فرض ۵: بین میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی (صنایع دستی) و توسعه روستای خراشاد ارتباط وجود دارد.

$H_0: (H_0:R=0)$ بین میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی (صنایع دستی) و

توسعه روستای خراشاد ارتباط وجود ندارد.
 $H_1: R \neq 0$: H_1 بین میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی (صنایع دستی) و توسعه روستای خراشاد ارتباط وجود دارد.

جدول ۸) ضریب همبستگی دو متغیر میزان مشارکت زنان و میزان مشارکت در فعالیتهای

صنایع دستی

تعداد مشاهدات	۶۵
ضریب همبستگی	۰/۶۸۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰

برای این آزمون با توجه به ویژگیهای مقیاس دو متغیر، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون نشان می‌دهد که چون مقدار سطح معناداری ۰/۰۰۰ شده است و کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر رد می‌شود، یعنی بین نقش زنان روستایی در توسعه روستای خراشاد با میزان مشارکت زنان روستای خراشاد در فعالیتهای صنایع دستی رابطه وجود دارد.

یکی از مهم‌ترین فعالیتهای زنان روستایی، اشتغال در زمینه صنایع دستی می‌باشد و این صنایع اهمیت بالایی در خوداشتغالی زنان روستایی دارند. از نظر اقتصادی، کار در زمینه صنایع دستی نیاز به سرمایه‌گذاری چندانی نداشته و هر خانواده روستایی با هر میزان سرمایه‌ای می‌تواند در این زمینه مشغول باشد. خوداشتغالی زنان روستایی از طریق گسترش و توسعه صنایع دستی در روستاها می‌تواند تا حد زیادی نقش زنان را ارتقاء داده و شرایط مناسب‌تری را از لحاظ اجتماعی برای آنان فراهم نماید.

در مناطقی که محدودیتهای طبیعی (اقلیم، آب، خاک و ...) گسترش فعالیتهای کشاورزی و دامداری را محدود می‌کند بخش مهمی از جمعیت روستایی رو به‌سوی صنایع دستی می‌آورند (پاپلی یزدی، ۱۳۷۶: ۶۱). حدود ۱۵ سال است که استان خراسان جنوبی با خشکسالی دست و پنجه نرم می‌کند و به‌ناچار باید کشاورزان و روستاییان به سمت فعالیتهایی گام بردارند که به آب، خاک و زمین نیاز نداشته باشد. این فعالیتهای می‌تواند صنایع کوچک روستایی مانند بافندگی، گلدوزی، خیاطی، قالیبافی، پارچه بافی

و ... باشد. قبلاً در روستای خراشاد، کشاورزی و فروش محصولات باغی رونق داشت اما به دلیل خشکسالی‌های پی در پی مشکلاتی برای کشاورزی ایجاد شد و صنایع دستی بویژه "پارچه‌بافی" توانست اقتصاد خانواده‌ها را تأمین و خشکسالی‌ها را جبران کند. مردم این روستا از طریق پارچه‌بافی توانستند زندگی‌شان را سر و سامان بدهند. روستای خراشاد بیرجند یکی از مراکز مهم برای فعالیت‌های بافندگی و پارچه‌بافی است.

آنچه توانسته رونق اقتصادی روستای خراشاد و بهبود وضعیت خانواده‌ها را به وجود آورد، می‌تواند در روستاها و شهرهای دیگر نیز نتیجه دهد، صنایع دستی و بویژه محصولات هنر پارچه دستی و سنتی است. روستای خراشاد اولین روستای "هدف" صنایع دستی کشور در سال ۱۳۸۶ شناخته شد. چون تنها روستایی است که بیشترین اشتغال‌زایی را در سطح کشور داشته است. شرکت تعاونی زنان خراشاد کلیه محصولات صنایع دستی را از هنرمندان خریداری می‌کند و به اقصا نقاط کشور ارسال می‌کند، این شرکت در سال ۱۳۸۲ تأسیس شده است.

نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها

جهان کنونی به این درک رسیده است که رسیدن به اهداف رشد و توسعه همه جانبه، تنها با بهره‌گیری از ذخیره عظیم و توانایی نیمی از پیکره جامعه یعنی زنان در کنار مردان مقدور است. امروزه مطالعات صاحب‌نظران اجتماعی نشان از آن دارد که دستیابی به توسعه پایدار، بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها، اعم از عرصه‌های خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست. بدیهی است بدون حضور زنان روستایی در عمران اجتماعی روستا، اهداف تولید و توسعه روستایی تحقق نمی‌یابد. با توجه به اهمیت شناخت نقش زنان روستایی به منظور فعالیت‌های توسعه‌ای هدفمند، در مقاله‌ی حاضر، نقش زنان در فرایند توسعه پایدار روستایی (روستای خراشاد شهرستان بیرجند) مورد بررسی قرار گرفت که هدف این مقاله، بررسی نقش و میزان مشارکت زنان در الگوهای توسعه روستای خراشاد می‌باشد. در این پژوهش، داده‌ها با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و عملیات میدانی با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شد که در روش تحلیلی، با توجه به

فرضیه‌های پژوهش، از آزمون‌های آماری تحلیل واریانس و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. جامعه آماری در این پژوهش زنان روستای خراشاد بودند که یافته‌های این پژوهش نشان داد که میزان و نقش مشارکت زنان در روستای خراشاد در سطح بالایی است و یافته‌های به دست آمده از این پژوهش نیز حاکی از بالا بودن نقش و جایگاه زنان روستای خراشاد در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنایع دستی و ... است که نقش فعال و سازنده‌ای در گام‌های گوناگون توسعه روستای خراشاد دارند. نتایج حاصل از آزمون فرضیات نشان داد که، بیشتر زنان مورد مطالعه، از نظر سطح تحصیلات در سطح متوسط به بالا قرار دارند که با توجه به سطح تحصیلات‌شان، هیچ‌گونه تفاوتی در میزان مشارکت آن‌ها در روستا دیده نمی‌شود و همه‌ی زنان روستا با هر نوع سطح تحصیلاتی در فعالیت‌های مختلف در روستا نقش‌آفرین هستند. در صورتی که معمولاً تصور می‌شد که با افزایش سطح تحصیلات زنان روستا، از میزان مشارکت آن‌ها در روستا کاسته شود، اما در این پژوهش این چنین نیست و علاوه بر آن، در یافته‌های اثبات شده در فرضیات و تجزیه و تحلیل اطلاعات، مشخص شد که زنان روستای خراشاد از استقلال کامل برخوردار هستند و اعتماد به نفس بالایی دارند و باورهای فرهنگی مرتبط با جنسیت، یعنی برتری مرد بر زن را قبول ندارند و در تصمیم‌گیری‌ها، مستقل هستند و هم‌چنین به دلیل فرهنگ حاکم بر این روستا، پذیرش مشارکت همه جانبه زنان روستا در فرایند توسعه روستا از طرف مردان قابل قبول است و علاوه بر این، رضایت مردان از مشارکت زنان در روستا، به زنان ایجاد انگیزه می‌دهد و باعث تشویق بیش از پیش آن‌ها به شرکت و مشارکت‌شان در فعالیت‌های مربوط به روستا را می‌دهد. هم‌چنین با توجه به یافته‌های پژوهش، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های زنان روستای خراشاد اشتغال در زمینه صنایع دستی می‌باشد و این صنایع اهمیت بالایی در خوداشتغالی زنان روستایی و روند توسعه‌ی روستا داشته است. آن‌چه توانسته رونق اقتصادی روستای خراشاد و بهبود وضعیت خانواده‌ها را به وجود آورد، می‌تواند در روستاها و شهرهای دیگر نیز نتیجه دهد، صنایع دستی و به‌ویژه محصولات هنر پارچه دستی و سنتی است. با توجه به نتایج و یافته‌های پژوهش، پیشنهادات زیر مطرح می‌شود:

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی کارآفرینی و مهارت‌زا
- ارائه تسهیلات لازم جهت افزایش مشارکت زنان
- تشویق و تجلیل از زنان کارآفرین روستا و معرفی آن‌ها به روستاییان
- ایجاد برنامه‌های آموزشی برای زنان روستا
- توسعه دادن صنایع دستی در روستا و تأمین مواد اولیه و خرید کالاهای آماده.

منابع

۱. آسایش، حسین (۱۳۸۱). *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی*. تهران: دانشگاه پیام نور.
۲. احمدی، نهال، و دیگران (۱۳۸۶). *کسب و کار خانگی: راهی بسوی خوداشتغالی زنان و کارآفرینی در خانه*. تهران: شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، مرکز اطلاعات و آمار.
۳. احمدی‌نیا، علی اصغر؛ تقوی، حسن (۱۳۸۳). "بررسی تأثیر اشتغال زنان بر رضایت همسرانشان از زندگی". *فصلنامه پژوهشی زنان*، دوره سوم، ش ۵ (بهار): ۴۵-۵۳.
۴. ارجلو، صغرا (۱۳۸۴). "ارزیابی آگاهی زنان روستایی شهرستان اصفهان از حقوق خویش، عوامل مؤثر در آن و تأثیر این آگاهی در مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری" پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
۵. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: اطلاعات.
۶. اکبری، حسین (۱۳۹۱). "نقش زنان در توسعه پایدار محیط زیست". *زن در توسعه و سیاست*، دوره دهم، ش ۴ (زمستان): ۳۷-۵۶.
۷. بینا، لادن (۱۳۸۲). "بررسی نقش مشارکت زنان در مقابله با بیابان‌زایی و عوامل مؤثر در مشارکت آنان در بیابان‌زدایی در حوزه آبخیز حبله‌رود در استان سمنان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.
۸. پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۷۶). *طرح ساماندهی فضایی - کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (پنج بخش از شهرستان‌های جنوب خراسان)*، بخش مرکزی شهرستان بیرجند (مرحله ۱ و ۲ نهایی). مشهد: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان رضوی.

۹. پژوهشکده زنان (۱۳۸۱). "نظریه‌های سیاستگذاری در برنامه‌ریزی‌های جنسیتی". در: مجموعه گزارش‌های همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران. غلامحسین فیروزفر، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش.
۱۰. خانی، فضیله؛ احمدی، منیژه (۱۳۸۸). "تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی". پژوهش زنان، دوره ۷، ش ۴ (زمستان): ۹۵-۱۱۳.
۱۱. روح افزا، فائزه؛ اکرامی، عطیه (۱۳۸۸). "ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در راستای اهداف توسعه پایدار". فرهنگ، دوره هفتاد، ش ۷۰ (تابستان): ۱۶۹-۱۹۴.
۱۲. زمانی میان‌دشتی، ناصر؛ عطائی، پوریا؛ ایزدی، نسیم (۱۳۹۱). "بررسی سطوح و میزان توانمندی در بین اعضای تعاونی زنان روستایی (مورد مطالعه: تعاونی زنان تفیهان شهرستان شیراز)". زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، ش ۴ (زمستان): ۱۵۳-۱۷۲.
۱۳. سازمان جهانی خواربار و کشاورزی "فائو" (۱۳۷۴). نقش زنان در توسعه کشاورزی. ترجمه غلامحسین صاحب‌نصب. تهران: وزارت جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
۱۴. شاهرودی، علی اصغر؛ چیذری، محمد؛ توسلی، بهاره (۱۳۸۵). "تأثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار کشاورزی". جهاد (ترویج کشاورزی و توسعه روستایی)، دوره بیست و پنجم، ش ۲۷۱ (خرداد و تیر): ۱۳۸-۱۵۰.
۱۵. شیعه، اسماعیل (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۱۶. عبداللهی، محمد (۱۳۸۳). "زنان و نهاده‌های مدنی، مسائل و موانع راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران". جامعه‌شناسی ایران، سال پنجم، ش ۲ (تابستان): ۶۳-۹۹.
۱۷. غفاری، غلامرضا؛ نیک‌بین صدیقی، فاطمه؛ اسماعیل زاده، خالد (۱۳۹۱). "مشارکت اجتماعی زنان و تأثیر آن بر رفاه خانواده (مطالعه موردی: منطقه ۹ شهر تهران)". فصلنامه جامعه، فرهنگ، رسانه، سال اول، ش ۲ (بهار): ۳۳-۶۲.

۱۸. غلامعلی زاده، ثمیه؛ رضایی مقدم، کوروش (۱۳۸۸). "چالش‌های عمده مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌ها". فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال ۷، ش ۲۵ (پاییز): ۱۹-۲۵.
۱۹. فال سلیمان، محمود؛ صادقی، حجت‌الله (۱۳۹۰). "بررسی جایگاه و نقش زنان روستایی در جریان پروژه بین‌المللی ترسیب کربن در شهرستان سریشه در جهت توسعه محلی پایدار". در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی بیابان. مرکز تحقیقات. تهران: مرکز تحقیقات بین‌المللی بیابان دانشگاه تهران.
۲۰. قلی‌زاده، آذر (۱۳۷۴). "بررسی علل نادیده گرفتن زنان روستایی در فرایند توسعه در کشورهای در حال توسعه". اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره هفتم، ش ۲۷ (پاییز): ۳۱-۴۲.
۲۱. کار، مهرانگیز (۱۳۷۳). زنان در بازار کار ایران. تهران: روشنگران.
۲۲. لهسایی‌زاده، عبدالعلی؛ جهانگیری، جهانگیر؛ خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۴). "بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: استان فارس)". جامعه‌شناسی ایران، سال ششم، ش ۳ (پاییز): ۱۲۴-۱۴۵.
۲۳. میرزاامینی، محمدرضا (۱۳۸۳). راهکارهای توسعه کارآفرینی و اشتغالزایی روستایی. تهران: اندیشگاه شریف.
۲۴. نوروزی، فیض‌الله، بختیاری، مهناز (۱۳۸۸). "مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن". فصلنامه راهبرد، دوره هجدهم، ش ۵۳ (زمستان): ۲۴۹-۲۶۹.
۲۵. هاشمی، مریم‌السادات (۱۳۷۴). "بررسی نقش اقتصادی اجتماعی زنان روستایی در تولید قالی". پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۲۶. وثوقی، منصور (۱۳۶۹). جامعه‌شناسی روستایی. تهران: کیهان.
27. Corral, Thais (2002). "Womens Sustainable Development Agenda". Natural Resources Forum. Vol. 26, No. 3: 253-249.
28. ELLEN, sue; Chalton, M. (1984). Women in thired world

- development. Boulder and London: westview press.
29. Krueger, Rob; Lydia, Savage (2007). "City-regions And Social Reproduction: A place For Sustainable? ".International Journal Of Urban And Regional Research" , Vol. 31, No.1: 225-215.
 30. Molyneux, Maxine (2002). "Gebnder and the silences of social capital :lessons from latin America". Development and change, Vol. 33, No. 2: 167-188.
 31. Ratner Blake, D. (2004). "Sustainability as A Dialogue Of Values: Challenges To The Sociology Of Development". Sociological Inquiry, Vol. 74, No. 1: 50-69.
 32. Tsenkova, Sasha (1999). Sustainable Urban Development In Europe: Myth Or Reality? america. Blackwell Publishers.
 33. World bank (2003). Sustainable Development In A Dynamic World.Washengton, Transforming Instituyions , Growth, and Quality Of Life.A Copublicarion Of The World Bank; Oxford University Press.